

### متن پرسش

سلام استاد عزیز: سوالی داشتم و اون اینکه: وقتی برخی از دوستان انسان دچار انحرافات بسیار عمیق در افکارشان می‌شوند (طوری‌که مثلاً ابتدا سالیانی مدافع و مبلغ آرمانهای ولی فقیه و انقلاب بودند و آن را ادامه‌ی غدیر می‌دانستند و اکنون شدیداً مخالف‌اند و در جهت ضربه‌زدن به آن هستند) وظیفه‌ی ما در قبال آنها چیست؟ چگونه می‌توانیم باعث هدایت این افراد شویم؟ بنده بارها و بارها با این قبیل انسانها بحث و گفتگو کرده‌ام ولی متأسفانه به هیچ نتیجه‌ی مثبتی نرسیده‌ایم و در پایان بحث هم دچار تک‌دراختر و ... نیز شده‌ایم. اینها در ابتدا که کتب شما را مطالعه می‌کردند حامی انقلاب و شهدا بودند ولی از وقتی که کتب نویسنده‌ی خاص و افکار جوان منحرفی که از دوستانشان بود را نیز مطالعه نمودند، دچار این انحراف شدید شدند. خواهشمندم جواب این حقیر را بدهید. خداوند عمر با عزت نصیبتان کند.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ابتدا عنایت داشته باشید که هرکس باید خودش نسبت به ارتباطی که باید با حقیقت داشته باشد، حساس باشد و قبول دارم که دوران، دوران سختی است و شناختن اولیاء الهی در این دوران که انقلاب اسلامی دیانت جمعی و اجتماعی را وارد تاریخ کرده است ادبیات و فرهنگ خود را دارد. تا دیروز که حاکمیت در اختیار طاغوت بود، دینداری محدود به اعمال فردی بود و هرکس که خود را در عبادات فردی زنده نگه می‌داشت به وظیفه‌ی خود عمل کرده بود ولی امروز در نظام جمهوری اسلامی قضیه بسیار فرق کرده است. حال اگر عده‌ای هنوز در فضای تاریخ گذشته به سر ببرند متوجه‌ی عمق فاصله‌ای که امروز نسبت به حضرت حق برایشان پیدا می‌شود، نیستند. این مثل آن است که با آمدن پیامبر جدید خود را در حیات دینی پیامبر قبلی قرار داده باشند غافل از آن که امروز دیگر حضرت حق با نوری از اسماء جلوه کرده است که تنها در مظهریت این پیامبر با بندگانش مرتبط می‌شود و آن‌هایی که با دین قبلی به سر می‌برند عملاً با خدای ذهنی و انتزاعی خود، سرگرمند و نه با خدایی که در این تاریخ ظهور کرده است. لذا شما باید بدانید که اینان دانسته یا ندانسته و با بهانه‌های واهی از تاریخ وجودی امروز بیرون خواهند افتاد. و قرآن در آیه‌ی ۹۱ سوره‌ی انعام به پیامبر خود در رابطه با برخورد با چنین افرادی می‌فرماید: «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ بَشَرٍ مِّنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَ عَلَّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنَّكُمْ وَ لَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ دَرَسْتُمْ فِي خُوضِهِمْ يَلْعَبُونَ» اینان جایگاه

حضرت حق را در رابطه با نبوت تو تشخیص نداده‌اند که می‌گویند خداوند بر بشر چیزی نازل نکرده است. در حالی که قبول دارید به موسی «علیه‌السلام» کتابی نازل شده و شما آن کتاب نورانی و هدایتگر را به صورت نوشته‌های پراکنده قرار مدهید؛ قسمتی را آشکار، و قسمت زیادی را پنهان مدارید؛ و مطالبی به شما تعلیم داده شده که نه شما و نه پدران‌تان، از آن با خبر نبودید! بگو: «خدا!» و سپس آنها را در گفتگوهای لجاجت‌آمیزشان رها کن، تا بازی کنند! آری شما هم نیز خیلی وقت‌تان را صرف این افراد روشنفکرنا ولی سخت‌ارتجاعی ننمایید، قیافه‌ی طرفداری از نگاه‌هایدگر دارند و با برداشت غلط از نگاه‌هایدگر، ناآگاهانه جمهوری اسلامی را بسط مدرنیته می‌دانند، در حالی که گرفتار پازل مدرنیته‌اند و شما را متهم می‌کنند که ایدئولوژیک فکر می‌کنید، در حالی که در بند افکار سخت‌ایدئولوژیک زده‌ی خود امکان تفکر آزاد را از خود گرفته‌اند و حضرت حق در آیه‌ی فوق چون آنها را غیر قابل هدایت می‌داند به پیامبر خود می‌فرماید: بگو «خدا»، و سپس آنها را در افکار بازی‌خورده‌ی خود رها کن.

موفق باشید